

کاخ استانداری خوزستان؛ تاریخ‌نگاری یک بنای معاصر

روح‌الله مجتهدزاده*

کاوه ضیا**

سید جعفر مجتهد موسوی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۳

علمی پژوهشی

چکیده

کاخ استانداری خوزستان، براساس پرونده ثبتی اثر و روایت‌های رایج محلی، بنایی متعلق به عصر پهلوی اول است؛ اما سیمای موجود بنا با سبک رایج در کاخ‌های دوره پهلوی اول همخوانی چندانی ندارد و بنا را به اثری از عصر پهلوی دوم شبیه‌تر می‌سازد. در مقاله حاضر، این تناقض به بحث گذاشته و تلاش شده با استفاده از راهبرد پژوهش تاریخی، به تبیین سیر تحول و روشن ساختن ابعاد مغفول بنا اقدام شود. در این جست‌وجو علاوه بر بررسی بنا به مثابه شاهدی مادی، در شواهد متنی و اسناد موجود در آرشیوهای چون مرکز اسناد ملی نیز جست‌وجویی هدفمند انجام گرفته و حاصل این جست‌وجوها به شکل‌گیری روایت تاریخی جامعی درباره بنا انجامیده که علاوه بر تبیین تاریخ ساخت و سیر تحولات بنا، علت تفاوت سبکی آن با سایر کاخ‌های هم‌دوره‌اش را نیز تبیین و اطلاعات تازه‌ای درباره این بنای کمترشناخته شده عرضه می‌کند. مطابق یافته‌های تحقیق حاضر، بنای کاخ استانداری خوزستان بی‌تردید در عصر پهلوی اول ساخته و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ اما در اواخر سال‌های ۱۳۲۰ و احتمالاً در پی برنامه توسعه عمرانی اول تصمیم به تعمیرات و تغییراتی در این بنا گرفته می‌شود. این تعمیرات که تا نیمه دهه ۱۳۳۰ به طول می‌انجامد، پای سه تن از معماران برجسته تاریخ معماری معاصر ایران، یعنی محسن فروغی، علی صادق و کیقباد ظفریختیار را به این پروژه باز کرد و سیمای کاخ و منظر پیرامون آن را به کل تغییر داد. باغ مجموعه از طرح مرسوم باغ‌های فرنگی رایج در اواخر قاجار-اوایل پهلوی به طرح چهارباغ ایرانی و کاخ نیز از کلاه‌فرنگی‌های مرسوم در این دوره به طرحی مدرن با اشاراتی به معماری ایرانی تغییر یافت. قاعدتاً موفقیت این تجربه در انتخاب چند سال بعد فروغی برای عمارت کاخ تازه تأسیس نیاوران بی‌تأثیر نبود. نوسازی کاخ استانداری خوزستان علاوه بر جنبه‌های معماری، از سایر جنبه‌های فنی نیز حائز اهمیت است؛ به‌طوری‌که تأسیسات این کاخ هم تماماً با شیوه‌های مهندسی جدید نوسازی گردید. سیستم گرمایش کاخ راه، که امروزه از بین رفته، شرکت بوتان و سیستم سرمایش آن را مهندس مهدی بازرگان، مهندس تأسیسات و فعال سیاسی مشهور معاصر، طراحی کردند.

کلیدواژه‌ها:

معماری معاصر ایران، اهواز، کاخ استانداری خوزستان، محسن فروغی.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۵ - بهار و تابستان ۱۴۰۳

صفحات ۶۳-۷۸ ۶۳

* استادیار، دانشکده مهندسی عمران و معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز، نویسنده مسئول، r.mojtahed@scu.ac.ir

** پژوهشگر مستقل

*** پژوهشگر مستقل

پرسش‌های پژوهش

۱. کاخ استانداری خوزستان در چه زمانی ساخته شده است؟
۲. سیر تحولات آن چگونه بوده است؟
۳. علت تفاوت سبک این کاخ با دیگر کاخ‌های هم‌دوره خود چیست؟

مقدمه

«کاخ استانداری خوزستان» بنایی دوطبقه با نمایی آجری در ساحل غربی کارون، محله امانیه و در محوطه مجموعه اداری استانداری خوزستان است. این بنا با نام‌های «کاخ رضاشاهی»، «کاخ اهواز»، «کاخ سلطنتی»، «کوشک استانداری» و «مهمان‌سرای استانداری» نیز در مکاتبات و اسنادی که نویسندگان در مقاله حاضر با آن مواجه بوده‌اند یاد شده است؛ اما نام رایج‌تر بنا که در اسنادی متعلق به سال‌های ۱۳۳۰ و برخی مراجع رسمی، چون مرکز اسناد ملی ایران با آن مواجهیم، همان «کاخ استانداری خوزستان» است و در این پژوهش نیز با همین نام از این بنا یاد می‌کنیم. قدمت بنا که با شماره ۳۲۹۱۰ در سال ۱۳۹۸ به‌عنوان اثری ملی ثبت شده، بنا به پرونده ثبتی اثر و نظر نویسندگان کتاب در جست‌وجوی هویت شهری/اهواز، به عصر پهلوی اول بازمی‌گردد (مجتهدزاده و نام‌آور ۱۳۹۴، ۲۴۱)؛ البته هیچ‌یک از منابع مذکور مستند روشنی برای قدمت بنا ارائه نمی‌دهند. تاریخ دقیق ساخت کاخ مشخص نیست؛ اما قاعدتاً نباید پیش از سال‌های میانی عصر پهلوی اول باشد، زیرا تشکیلات استانداری در شکل جدید آن نخست در این سال‌ها شکل گرفت. مطابق قانون تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۱۶ هر استان زیر نظر یک استاندار اداره می‌شد که مهم‌ترین وظیفه او ارائه دستورات و تعلیمات به فرمانداران تابع خود بود؛ اما نکته مهم آن بود که مطابق تبصره ۱ ماده ۳ این قانون، استانداران دارای مکان اداری ثابت نبودند و باید با بازرسی دائم از شهرستان‌های تابعه به اداره امور می‌پرداختند. حکم استاندار نیز نه توسط وزارت داخله که توسط شخص شاه صادر می‌شد (نوحه‌خوان ۱۳۹۱، ۱۲۱-۱۲۲). این موضوع باعث می‌شد محل استقرار استانداران نیز به‌عنوان شعبه‌ای از کاخ‌های دربار شمرده شود و احتمالاً از همین رو بناهای استانداری در این زمان به کاخ سلطنتی شهرت داشتند؛ هرچند معماری آن‌ها چیزی میان بنای اقامتی و اداری بود. در مقاله حاضر با استفاده از راهبرد پژوهش تاریخی به جست‌وجو در پیشینه بنای کاخ استانداری خوزستان پرداخته و تلاش شده زمان ساخت اثر و سیر تحولات آن را روشن شود. نتایج این تحقیق یافته‌های تازه‌ای را درباره این بنا، معماران دخیل در آن و ارزش‌های اثر برای تاریخ‌نگاری معماری معاصر ایران آشکار می‌سازد.

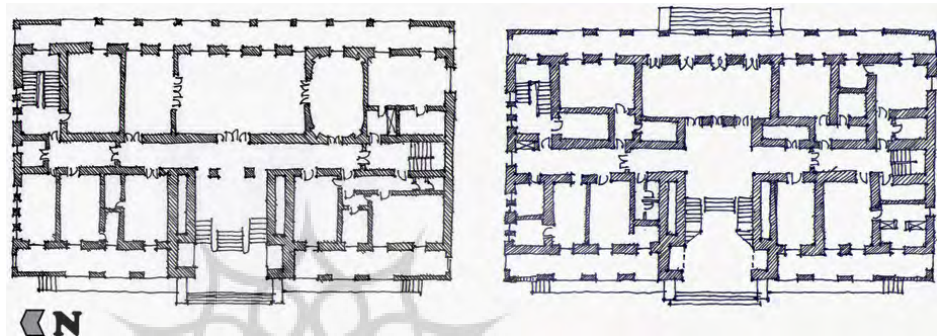
۱. معرفی بنا

بنای کاخ استانداری در محوطه مجموعه اداری استانداری خوزستان و در امتداد محور باغی که امروزه بخش‌های عمده‌ای از آن با بناهای اداری و پارکینگ اشغال گردیده، واقع شده است (تصویر ۱).



تصویر ۱: موقعیت بنا در تصویر هوایی؛ ماهواره تصویربرداری گوگل

بنا در سه سطح (زیرزمین، همکف و طبقه اول) و با سطح اشغالی حدود ۱۰۰۰ مترمربع واقع شده است. الگوی سازمان‌دهی پلان مشتمل بر مجموعه‌ای از اتاق‌ها و تالارهاست که حول راهروی دسترسی مرکزی سامان یافته است. در حال حاضر و به‌منظور افزایش تعداد اتاق‌ها تیغه‌هایی به فضاهای اتاق‌ها و تالارها اضافه شده است؛ اما به نظر می‌رسد اتاق‌ها و تالارها در شکل اولیه با نگاه به الگوی تقسیمات سه‌دری و پنج‌دری در بناهای ایرانی شکل گرفته است. هرچند در نگاه اول بنا دارای نوعی محوربندی و انتظام متقارن به نظر می‌رسد، قرینگی آن به‌واسطه نحوه انتظام دستگاه‌های پله و فضاهای تأسیساتی بر هم خورده و می‌توان نحوه انتظام بخشی بنا در پلان را مبتنی بر نوعی تعادل ناقص دانست.



تصویر ۲: پلان طبقه همکف (راست) و اول (چپ) (مجتهدزاده و نام‌آور ۱۳۹۴)

دو نمای اصلی بنا در جبهه شرقی (رو به رودخانه کارون) و غربی (رو به باغ) قرار دارد. در هر دو نما رواقی با طاق‌گان هلالی در طبقه همکف و رواقی با فرم نواری کشیده در طبقه دوم قرار دارد. نمای غالب بنا آجر اخراپی است که در خط زمین و دور رواق‌ها با نمای سنگ ترکیب شده است. نماهای جانبی نیز فاقد هرگونه آرایه یا ویژگی خاصی، چون رواق و بازی‌های فرمی است و بازشوهایی با ماهیت عملکردی تنها عناصری مشهود در این نماهاست (تصویر ۳). به این ترتیب می‌توان در نمای بنا نیز، مشابه پلان آن، ترکیبی از تقارن (در نماهای اصلی) و عدم تقارن (در نماهای جانبی) را ملاحظه کرد. بر این اساس می‌توان گفت زبان طراحی کاخ استانداری خوزستان آمیزه‌ای از تأثیرات معماری ایرانی (چون رواق طاق دار طبقه همکف و انعکاس الگوهای سه‌دری و پنج‌دری در اتاق‌ها) و معماری مدرن غربی (چون عدم تقارن و الگوی بازشو نواری در طبقه اول) را هم‌زمان نشان می‌دهد. از منظر تاریخی، چنین ویژگی‌هایی بیشتر در بناهای عصر پهلوی دوم، یا به تعبیری معماران نسل دوم (بانی مسعود ۱۳۹۶، ۲۹۷) دیده می‌شود و جمع شدن چنین ویژگی‌هایی در بنایی متعلق به عصر پهلوی اول سؤال‌برانگیز است؛ لذا در ادامه سعی شده است سبک و زمان ساخت اثر از طریق مقایسه سبک‌شناسانه بنا و مطالعه اسناد و شواهد مرتبط با آن تبیین شود.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۵ - بهار و تابستان ۱۴۰۳

۶۵



تصویر ۳: نمای ورودی در جبهه غربی بنا (راست)، نمای رو به رودخانه در جبهه شرقی (وسط) و نمای جانبی شمالی (چپ)

۲. مطالعه تطبیقی بنا در بستر کاخ‌های عصر پهلوی

یکی از راه‌های مألوف شناخت در مطالعات تاریخی، شناخت از طریق مطالعه تطبیقی است. در این راستا در این بخش از مقاله تلاش شده است برای دستیابی به شناختی بهتر از کاخ استانداری اهواز، این کاخ در بستر سایر آثار هم‌دوره خود مطالعه شود.

۲.۱. تأملی بر سبک‌های کاخ‌سازی در ایران معاصر

صاحب‌نظران با بررسی بناهای شاخص دوره قاجار، عموماً، سه سبک و شیوه متمایز را در این دوره تشخیص داده‌اند: شیوه اول شیوه اصفهانی یا همان تداوم معماری سنتی ایران است؛ شیوه دوم که گاه آن را تهرانی نامیده‌اند، تلفیقی از شیوه اصفهانی و سبک نئوکلاسیک غربی است؛ شیوه سوم، سبک فرنگی است که کاملاً تحت‌تأثیر معماری غرب است (قبادیان ۱۳۹۲، ۲۴). همان‌گونه که از این تقسیم‌بندی‌ها نیز برمی‌آید، در این دوره سنت و مظاهر تجدد، گاه از سر «ستیز و رویارویی» و گاه از در «سازش و مصالحه» باهم روبه‌رو شدند (نظری ۱۳۹۷، ۳۵۶). یکی از نتایج این رویارویی آن بود که اغلب کاخ‌ها و بناهای حکومتی متأثر از معماری اروپاییان ساخته شد (انصاری ۱۳۹۵، ۲۵). همانند عمارت خوابگاه و کاخ ابیض که بر سیاق معماری نئوکلاسیک اروپایی ساخته شد و عمارت شمس‌العماره که از لحاظ گونه‌شناختی پلان مستقیماً از معماری اروپایی بهره گرفته بود و این مسئله در نقوش و تزیینات معماری نیز بروز یافت (همان‌جا). این تأثیر علاوه بر ساختمان کاخ‌ها در فضای منظر آن‌ها، یعنی باغ‌ها، نیز خود را نشان داد و بسیاری از باغ‌های این دوره با برداشته‌های سطحی از سبک‌های باغ‌سازی غربی، چون رنسانس و باروک و رمانتیک شکل گرفت یا تغییر شکل یافت (ماهان و خرم‌رویی ۱۳۹۹، ۷). بیشترین کاخ‌ها و باغ‌هایی که در آن‌ها تأثیر شیوه فرنگی به نحوهای گوناگون دیده می‌شود، مربوط به دوره ناصری و بعد از آن است.

با پایان عصر قاجار و ظهور عصر پهلوی روند تجدد از کاخ‌ها و محیط‌های درباری به بناهای عمومی و فضاهای شهری گسترش یافت. صاحب‌نظران معماری عصر پهلوی را از جنبه تجددگرایی در معماری ایرانی، ادامه دو شیوه اصلی معماری اواخر قاجار، یعنی سبک تلفیقی و معماری نئوکلاسیک غربی به‌همراه شیوه‌هایی جدید چون معماری مدرن و نوسنت‌گرایی می‌دانند (قبادیان ۱۳۹۲، ۱۲۸). کاخ‌سازی دوره پهلوی نیز در چنین بستری شکل گرفت؛ لذا درحالی‌که بسیاری از کاخ‌های اولیه این دوره مهر و نشان معماری اواخر قاجار را بر خود داشتند، به‌تدریج به‌ویژه از آغاز پهلوی دوم، الگوهایی جدید در ساخت کاخ‌های سلطنتی ظهور یافت. رضاشاه پس از به سلطنت رسیدن تمایلی به اقامت در کاخ‌های قاجار از خود نشان نداد، از این‌رو در همان ابتدا (۱۳۰۴ش) طراحی و ساخت کاخ سبز در سعدآباد و کاخ مرمر در مرکز شهر تهران به دستور او آغاز شد (همان، ۱۵۲). هر دو کاخ را می‌توان گونه‌ای از معماری تلفیقی به شمار آورد که در فرایند طراحی و ساخت آن‌ها نیز عمده‌تأ معماران سنتی دست بالا را داشتند. کاخ سبز یا کاخ شهوند (پایان ۱۳۰۷ش) توسط جعفرخان کاشی، از معماران سنتی بنام معاصر، طراحی و اجرا شد (همان، ۱۵۴). در طراحی و اجرای کاخ مرمر (پایان ۱۳۱۶ش) نیز بنا به خاطرات استاد لرزاده، مجموعه‌ای از معماران ایرانی چون استاد حیدر، استاد لرزاده، جعفرخان کاشی، لئون تادوسیان و بسیاری دیگر نقش داشتند (لرزاده ۱۳۸۵، ۳۷).

حضور هم‌زمان معماران تحصیل‌کرده و سنتی در ساخت کاخ‌های این دوره باعث شد شیوه تلفیقی این دوره نسبت به همتای قاجاری خود با تفاوت‌هایی همراه باشد. آن‌گونه که از خاطرات لرزاده برمی‌آید، در کاخ‌های این دوره، استخوان‌بندی و سفت‌کاری در یک مرحله آماده می‌شد و سپس استادکاران متبحر معماری سنتی، هریک جداگانه یک یا دو اتاق را به دست گرفته، هنرنمایی می‌کردند (همان‌جا). به نظر می‌رسد در این فرایند، نوعی تقسیم کار نیز وجود داشته است؛ به‌این‌ترتیب که مراحل اولیه و سفت‌کاری را معماران و مهندسان تحصیل‌کرده و مراحل پایانی را استادکاران و هنرمندان سنتی عهده‌دار بودند. از این‌رو بناهای این دوره هم از منظر طراحی و هم روش ساخت، قوت و اصالت بیشتری نسبت به نمونه‌های قاجاری دارند و در مجموع، نسخه جدیدی از شیوه تلفیقی را پدید می‌آورند.

علاوه بر کاخ‌های تهران گویا این روند درباره سایر کاخ‌های عصر پهلوی اول نیز رایج بوده است. در خاطرات لرزاده می‌توان ردپای چنین شیوه‌ای را در کاخ‌های شمال نیز جست؛ از جمله وی به دست‌اندرکاری خود در عمارات سلطنتی

بابل، کلاردشت و رامسر اشاره و تصریح می‌کند. در رامسر در مراحل اولیه کار معماری حضور نداشت و از پیشکار بنا شنیده که سردار اف آن را ساخته است (همان، ۹۰). آن گونه که مختاری تصریح می‌کند، تحقیقات یک مورخ تاریخ محلی شهر انزلی درباره کاخ میان‌پشته انزلی نیز چنین ترکیبی را آشکار می‌کند (مختاری ۱۳۹۶، ۱۰۳). در ترکیب فوق، بسته به غلبه عنصر ایرانی یا فرنگی در طراحی کاخ، شیوه طراحی نیز به یکی از دو طیف «شیوه تلفیقی» یا «شیوه نئوکلاسیک» فرنگی نزدیک‌تر می‌شده است. از این رو مورخان معماری این دوره برخی بناها چون کاخ سبز، کاخ مرمر و عمارت کوشک را در شیوه تلفیقی و برخی دیگر چون کاخ میان‌پشته، کاخ اختصاصی گرگان و کاخ سفید سعدآباد را در شیوه نئوکلاسیک تقسیم‌بندی کرده‌اند (نک: قبادیان ۱۳۹۲، ۱۴۸-۱۶۸).

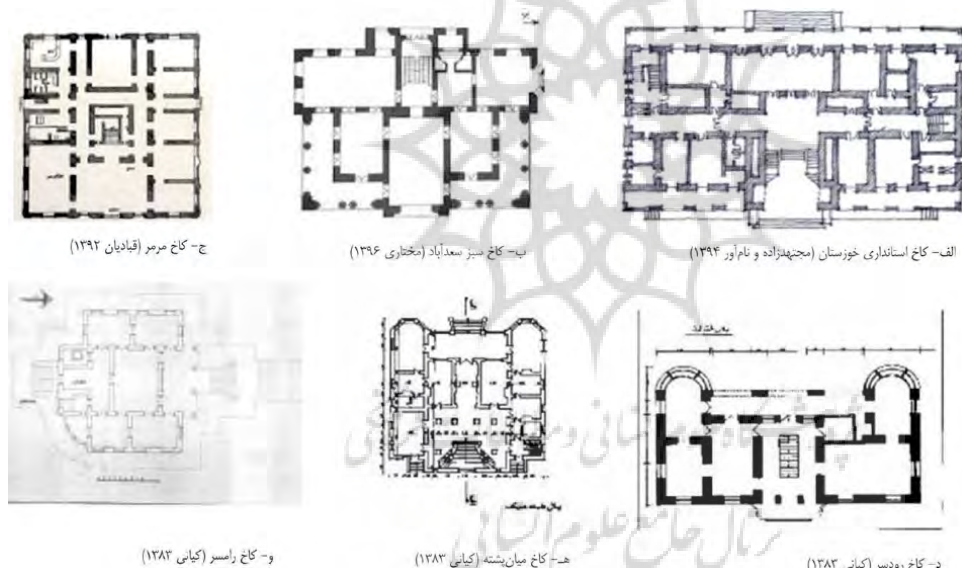
سال‌های آغازین پهلوی دوم مصادف با سال‌های پایانی جنگ دوم جهانی و اشغال ایران بود. بدیهی است چنین شرایطی جای چندی برای پرداختن به معماری باقی نمی‌گذاشت؛ اما با پایان جنگ و خروج تدریجی اشغالگران از ایران، پنجره‌های دوباره رو به اقدامات عمرانی گشوده شد. شرایط معماری در این دوره تفاوت‌هایی را با دوران پیش از آن نشان می‌دهد. نسل جدید معماران ایرانی شیوه تلفیقی و تاریخ‌گرایی را که در دوره پهلوی اول رواج داشت و از سوی شخص شاه و همفکرانش حمایت می‌شد، بر نمی‌تابیدند و متأثر از زبان معماری مدرن به دنبال معماری‌ای گسسته از تاریخ بودند (بکاء، رحیم‌زاده، و معظمی ۱۴۰۱، ۱۳۸). از قضا، این رویکرد با روحیات و نگرش شاه جوان نیز سازگارتر بود. هرچند تا پیش از کودتای مرداد ۳۲، محمدرضا شاه بیشتر در سایه نخست‌وزیران قدرتمند این دوره چون قوام و مصدق بود و کمتر فرصتی برای ساخت کاخ یا بناهای سلطنتی تازه به دست آورد، در اولین گام پس از رهایی از سیطره این نخست‌وزیران قدرتمند، یکی از نخستین پروژه‌های مهم سلطنتی زمان خود یعنی «کاخ نیاوران» را کلید زد. کاخ نیاوران را محسن فروغی در دفتر عبدالعزیز فرمانفرمایان طراحی کرد و آن را در حداثی سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ ساخت (قبادیان ۱۳۹۲، ۲۴۲). بدین ترتیب دو تن از مشهورترین معماران معاصر ایرانی دست‌اندرکار آن بودند. عباس میلانی، تاریخ‌نگار معاصر ایرانی، کاخ نیاوران را تمثیلی از طرح نوسازی غرب‌گرایی محمدرضا شاه می‌داند و آن را در مقایسه با کاخ‌های گلستان و سعدآباد که بازتاب سلیقه رضاشاه و دربردارنده تمام نقاط ضعف و قوت معماری سنتی ایران بودند، منعکس‌کننده نوعی التقاط جهان‌وطنی می‌داند که بازتاب سلیقه محمدرضا و آخرین همسر اوست (میلانی ۱۳۹۲، ۴۳۱). البته باید توجه داشت که در این نگرش تازه نقش عنصر ایرانی غایب نیست؛ اما به جای تأکیدی که در شیوه تلفیقی پهلوی اول بر عناصر صوری (فرمی) و آرایه‌ای (تزیینی) معماری ایرانی بود، در این شیوه تأکید بر عناصر فضایی و بیان انتزاعی آرایه‌های معماری ایرانی است. برای مثال سرسرای مرکزی کاخ نیاوران با بام بازشوی آن تداعی روشنی از ایده حیاط مرکزی در معماری ایرانی و ترکیب بدنه مدرن آن با کاشی‌کاری سنتی، ادای دینی انتزاعی به آرایه‌بندی معماری سنتی است. برخی صاحب‌نظران معماری معاصر ایران این شیوه را «معماری نوگرایی ایرانی» خوانده و آثار معمارانی چون محسن فروغی، علی صادق، هوشنگ سیحون، کامران دیبا و برخی دیگر از معماران عصر پهلوی دوم را در این شیوه برشمردند (قبادیان ۱۳۹۲، ۲۶۶-۲۶۷).

در مقابل، رویکرد دیگری به معماری مدرن نیز در این دوره رایج بود که سعی در همگامی با تحولات معماری غربی فارغ از نگاه به معماری ایرانی داشت. منابع این معماری عمدتاً معماری مدرن غرب بود؛ لذا در منابع تاریخ‌نگاری معماری معاصر ایران، بناهای مربوط به این رویکرد اغلب با وام گرفتن از اصطلاحات تاریخ‌نگاری معماری غربی چون «اوایل مدرن»، «هنر نو»، «مدرن متعالی»، «مدرن متأخر»، «سبک بین‌المللی» و نظایر آن نامیده شده است (از جمله نک: پاکدامن ۱۳۷۶؛ قبادیان ۱۳۹۲). با توجه به اینکه بناهای مربوط به این رویکرد به رغم تفاوت‌های سبکی همگی وابسته به شاخه‌های مختلف جنبش معماری مدرن در غرب‌اند، می‌توان کاخ‌های وابسته به این رویکرد را کاخ‌های «سبک مدرن» نامید که نقش آن در بسیاری از آثار این دوره برجسته است. یکی از نخستین نمایندگان این شیوه در کاخ‌های پهلوی را باید کاخ شهنواز اثر وارطان هوانسیان دانست که هرچند متعلق به دوره پهلوی اول است، با توجه به ویژگی‌های فرمی برخی صاحب‌نظران آن را متأثر از سبک آرت دکو، از سبک‌های اوایل جنبش مدرن غرب می‌دانند (قبادیان ۱۳۹۲، ۲۰۸). از آخرین نمونه‌های این شیوه نیز می‌توان کاخ مروارید را نام برد که بنیاد فرنک لوید رایت، به

سبک ارگانیك، از ديگر سبك‌های مدرن غربی، برای شمس پهلوی طراحی كرد و ساخت (همان، ۲۶۰). به‌این‌ترتیب با مروری بر كاخ‌های دوره پهلوی می‌توان این كاخ‌ها را در چهار شیوه «تلفیقی»، «نئوكلاسیك فرنگی»، «نوگرایی ایرانی» و «سبك مدرن» تقسیم‌بندی كرد كه دو شیوه اول در دوره پهلوی اول و دو شیوه دوم در دوره پهلوی دوم غلبه بیشتری داشت. اکنون و با این تقسیم‌بندی به سراغ كاخ استانداری خوزستان خواهیم رفت تا سبك این كاخ را در بستر كاخ‌های هم‌دوره خود بازشناسی كنیم.

۲.۲. بازشناسی كاخ استانداری خوزستان از منظر سبك‌شناسی

از منظر سبك‌شناسی، همان‌گونه كه پیش‌تر نیز اشاره شد، مقایسه كاخ استانداری خوزستان با چهار سبك پیش‌گفته نشان می‌دهد كه این كاخ با شیوه‌های رایج دوره پهلوی اول، یعنی شیوه تلفیقی و نئوكلاسیك فرنگی، قرابت چندانی ندارد. در بنای كاخ، اثری از تأثیر معماری نئوكلاسیك غربی دیده نمی‌شود. از عناصر تزئینی و حتی فرمی معماری ایرانی نیز، به‌استثنای رواق طاق‌دار طبقه همكف، در این معماری چندان خبری نیست. پلان كاخ نیز در مقایسه با پلان سایر كاخ‌های پهلوی اول، به‌ویژه كاخ‌های خارج از تهران، پیچیدگی بیشتر و نظام فضایی مدرن‌تری را، مثلاً در جانمایی پلكان یا نظام ارتباط فضاهای داخلی، به نمایش می‌گذارد. در تصویر ۴ می‌توان تفاوت پلان این كاخ و نمونه‌های مشابه در دوره پهلوی اول را ملاحظه كرد.



تصویر ۴: مقایسه پلان كاخ استانداری خوزستان با پلان شماری از كاخ‌های مهم دوره پهلوی اول در تهران و شمال ایران

ازسوی دیگر، تصویری قدیمی از كاخ كه نمای آن را پیش از مداخلات امروزی نشان می‌دهد، تفاوت‌های كوچك اما مهمی را به نمایش می‌گذارد. در این تصویر كه در پرونده ثبتی اثر درج شده اما متأسفانه تاریخ آن به‌درستی مشخص نیست، سردر ورودی كاخ برخلاف نمای كنونی با مشبكی از كاشی سفید آرایه‌بندی شده است. بازشوهای مشبك بالای رواق طبقه دوم نیز برخلاف نمای سیمانی كنونی مزین به كاشی لعابدار فیروزه‌ای است (تصویر ۵). مجموع این ویژگی‌ها در كنار بافت آجری بنا جلوه‌ای از تأثیرات معماری ایرانی را بازتاب می‌دهد و با توجه به تأثیری از معماری مدرن، چون عدم تقارن پلان و تراس نواری موجود در نما، می‌توان این بنا را در شمار بناهای «نوگرایی ایرانی» طبقه‌بندی كرد كه براساس مطالعات پیش‌گفته عمدتاً از سبك‌های رایج دوره پهلوی دوم است و تاكنون هیچ كاخی از عصر پهلوی اول با چنین سبك معماری مشاهده نشده است. این امر بررسی دقیق‌تر اسناد پیشینه كاخ را برای تعیین

تاریخ ساخت آن و اطمینان از انتساب بنا به عصر پهلوی اول ایجاب می‌کرد. دستاورد این جست‌وجو نتایج تازه‌ای را درباره‌ی گذشته‌ی این بنای ارزشمند آشکار ساخت.



تصویر ۵: تصویری قدیمی از نمای ورودی کاخ استانداری (پرونده ثبتی اثر)

۳. جست‌وجوی پیشینه‌ی تاریخی بنا از خلال اسناد قدیم کاخ

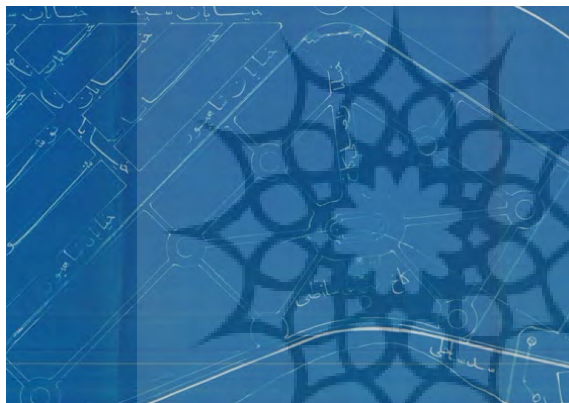
یکی از قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود از کاخ استانداری که در پرونده‌ی ثبتی اثر نیز موجود است، تصویر هوایی کاخ در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ خورشیدی است (تصویر ۶، راست). هرچند فرم بنای کاخ در این تصویر با فرم بنای امروزی آن کاملاً سازگار است، فضای پیرامون کاخ هیچ شباهتی به باغ پیرامون یک کاخ سلطنتی ندارد؛ بلکه بیشتر به یک کارگاه ساختمانی در حال ساخت شبیه است که با بزرگ‌نمایی تصویر می‌توان ماشین‌آلات ساختمانی و رد آن‌ها بر خاک را نیز مشاهده کرد. در این تصویر، فضای پیرامون کاخ فاقد هرگونه کیفیت منظرسازی و حتی درخت و گیاه است. بر این اساس به نظر می‌رسد محوطه‌ی کاخ در این زمان در حال ساخت بوده است. آنچه دست‌ساخت بودن محوطه در این زمان را بیشتر آشکار می‌سازد، عکس هوایی هفت سال بعد است که فضای اطراف کاخ را منظم و محور اصلی آن را دارای دو ردیف درختان نخل و آب‌نمایی خطی در وسط نشان می‌دهد (تصویر ۶، چپ). در واقع، باغ پیرامون کاخ در این فاصله‌ی زمانی به‌وضوح آبادتر شده و تقریباً تردیدی نیست که طرح باغ استانداری در این مقطع زمانی (۱۳۳۵ تا ۱۳۴۲) ریخته شده است.



تصویر ۶: عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (راست) و ۱۳۴۲ (چپ) که تفاوت ناشی از ساخت‌وساز در محوطه‌ی پیرامون اثر در آن به‌وضوح قابل تشخیص است (سازمان نقشه‌برداری ایران).

با توجه به نزدیکی سبک بنا به همین سال‌ها این فرض که کاخ نیز در همین سال‌ها ساخته شده باشد، دور از ذهن نیست. چنین فرضی جست‌وجوی مدارک کاخ در عصر پهلوی اول را ضروری می‌ساخت. در این راستا نگارندگان به

بررسی وضعیت کاخ در یکی از قدیمی‌ترین نقشه‌های موجود شهر اهواز پرداختند (تصویر ۷). این نقشه، مربوط به سال ۱۳۱۹ و توسط «اداره شهرداری اهواز» در دی‌ماه ۱۳۱۹ تهیه شده است. عنوان آن «نقشه شهر جدید اهواز» و منظور از شهر جدید، بافت شهری پهلوی اول اهواز در غرب رودخانه است. در این نقشه در حاشیه غربی رودخانه، طراحی منظره باغ‌مانند دیده می‌شود و در مکان کنونی کاخ استانداری نیز بنایی با نام «کاخ سلطنتی» نشان داده شده؛ اما تفاوتی که وجود دارد آن است که پلان بام کاخ و نیز طرح باغ آن به‌کل متفاوت از چیزی است که در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ دیده می‌شود. به این ترتیب با استناد به این نقشه می‌توان اطمینان حاصل کرد که در این زمان کاخ و باغ سلطنتی دست کم در حد طرحی بر نقشه شهر، وجود داشته زیرا هرچند طرح نشان داده شده در نقشه با طرح کاخ موجود متفاوت است، هم طرح کاخ و هم طرح باغ پیرامون آن سازگاری فراوانی با الگوهای سبکی رایج در دوره پهلوی اول دارد؛ لذا تصور آنکه این طرح توسط ترسیم‌کنندگان نقشه در شهرداری اهواز تهیه شده باشد، دور از ذهن است و احتمالاً متکی به پشتوانه قوی‌تری، مثلاً طرحی مصوب برای باغ و کاخ سلطنتی بوده است. از این رو در ادامه پژوهش، فرایند جست‌وجو بر این مسئله متمرکز شد که آیا چنین طرحی به مرحله اجرا درآمده یا خیر؟



تصویر ۷: نقشه کاخ سلطنتی و باغ پیرامون آن در نقشه «شهر جدید اهواز، ۱۳۱۹» (مرکز اسناد ملی ایران)

در گام اول این جست‌وجو، از عکس هوایی سال ۱۳۳۵ شاهد انکارناپذیری بر اجرای طرح باغ به دست آمد. دقت در این عکس ته‌رنگ دو میدان از میدان‌های نشان‌داده‌شده در نقشه سال ۱۳۱۹ را به وضوح نشان می‌داد (تصویر ۸). به این ترتیب اطمینان حاصل شد که طرح باغ نشان‌داده‌شده در نقشه «شهر جدید اهواز» به سال ۱۳۱۹ اجرا شده اما در سال ۱۳۳۵، بنا به دلایلی امحا و طرح جدیدی جایگزین آن شده است.



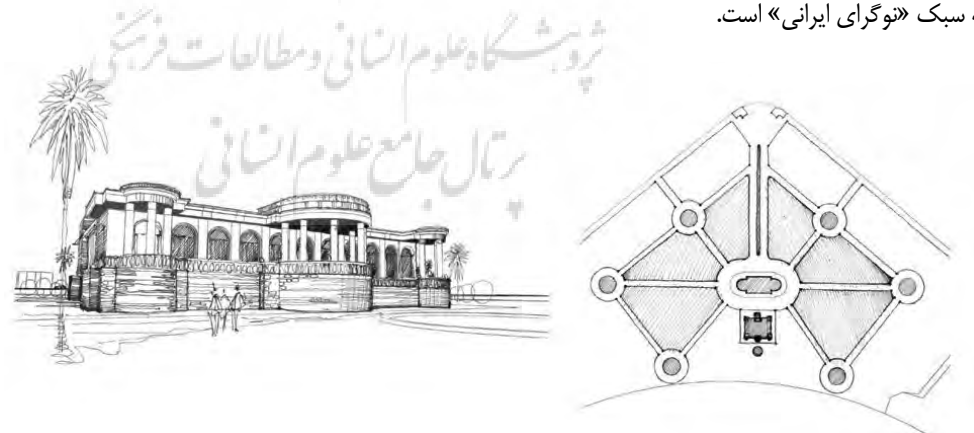
تصویر ۸: ته‌رنگ دو میدان از میدان‌های طرح باغ سابق کاخ که در عکس سال ۱۳۳۵ قابل مشاهده است.

جست‌وجوهای بیشتر شاهدی معتبر از اجرای طرح کاخ را نیز آشکار ساخت. این شاهد عکسی است که یک افسر آمریکایی حدود سه سال بعد از نقشه ۱۳۱۹، به سال ۱۹۴۳ (۱۳۲۲ش) و در خلال جنگ جهانی دوم، از پل سفید اهواز تهیه کرده است. با دقت در این عکس نه‌تنها می‌توان کاخ استانداری را در دورنمای تصویر تشخیص داد، بلکه با بزرگ‌نمایی تصویر می‌توان دریافت که طرح کاخ در آن مقطع با طرح فعلی تفاوت داشته است (تصویر ۹). به این ترتیب می‌توان مشکل تفاوت طرح کاخ فعلی با دیگر کاخ‌های هم‌دوره خود را حل کرد.



تصویر ۹: کاخ استانداری در دورنمای پل سفید، ۱۳۲۲؛ مأخذ: کتابخانه دیجیتال دایرة مهندسی ارتش آمریکا (URL1)

از کنار هم گذاشتن این شواهد می‌توان طرح کلی کاخ و باغ را با ضریب اطمینان نسبی بازسازی (تصویر ۱۰) و اطمینان حاصل کرد که سیمای عمومی کاخ استانداری در دوره پهلوی اول تفاوت سبکی معناداری با سایر کاخ‌های هم‌دوره خود نداشته، باغ کاخ از طرح فرنگی رایج در این دوره تبعیت می‌کرده و فرم‌های مدور مشهود در پلان، مشابه فرم‌های باستیونی رایج در اغلب کاخ‌های این دوره است. هرچند درباره تزئینات، پلان و روابط فضاها براساس شواهد موجود نمی‌توان اظهارنظر کرد، واضح است که این بنا در عصر پهلوی دوم فرایند نوسازی گسترده‌ای را از سر گذرانده و در نتیجه این فرایند سیمایی کاملاً متفاوت یافته که در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و وضع کنونی کاخ قابل مشاهده است. در واقع این نوسازی دلیل اصلی تفاوت طرح کاخ استانداری خوزستان با دیگر کاخ‌های پهلوی اول و شباهت آن به سبک «نوگرای ایرانی» است.



تصویر ۱۰: پلان اولیه محوطه کاخ و باغ (راست) براساس نقشه ۱۳۱۹ شهر جدید اهواز و بازسازی نمای رو به رودخانه کاخ (چپ) براساس شواهد موجود

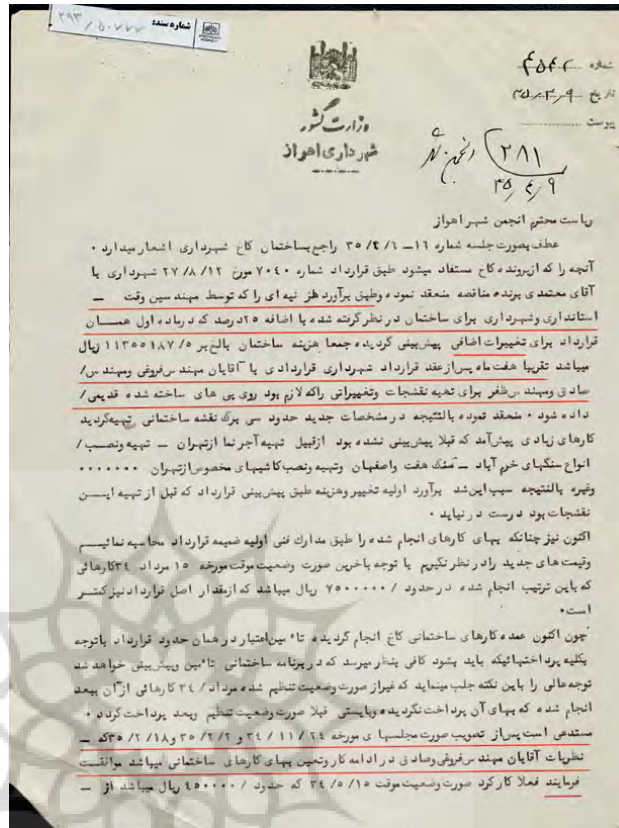
۴. علل و فرایند تغییرات بنا در سال‌های ۱۳۳۰

با مسجل شدن وقوع تغییرات عمده در بنای کاخ استانداری اکنون می‌توان به‌روشنی دریافت که چرا سیمای این کاخ تا این حد متفاوت از بناهای هم‌دوره خود و مشابه بناهای سبک نوگرای ایرانی در دوره پهلوی دوم است. اما همچنان زمان دقیق و علت این تغییرات مبهم است و روشن نیست این تغییرات با ویرانی بنای سابق همراه بوده یا با حفظ بخش‌هایی از بنا و تغییرات در بخش‌هایی دیگر انجام یافته است؟ در ادامه سعی شده است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود.

با توجه به آنکه در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ کاخ در سیمای امروزی خود قرار دارد و آثار ساخت‌وساز در پیرامون آن قابل تشخیص است، می‌توان نتیجه گرفت که این زمان مقطع پایانی تغییرات کاخ بوده و قاعدتاً تغییرات نیز باید چند سالی پیش از آن یعنی از سال‌های اولیه ۱۳۳۰ آغاز شده باشد؛ اما این عکس از نسبت بنای پیشین و جدید اطلاعاتی به دست نمی‌دهد. البته اگر وضعیت باغ پیرامون بنا را - که در این عکس به‌طور کامل از بین رفته - مینا قرار دهیم، می‌توان احتمال داد که بنای پیشین نیز بایست کاملاً از بین رفته باشد. حدس اولیه نگارندگان آن بود که احتمالاً کاخ در رویدادهای مربوط به جنگ جهانی دوم که طی آن اهواز مورد تهاجم و بمباران هوایی قرار گرفت، ویران شده باشد؛ اما جست‌وجو در اسناد قابل دسترس مربوط به جنگ اطلاعاتی در این باب به دست نداد. به‌ویژه آنکه در همان سال ۱۳۳۵ که عکس‌های هوایی کاخ استانداری خوزستان را در مراحل پایانی بازسازی نشان می‌دهد، بیمارستان سنج که در وقایع سوم شهریور ۱۳۳۰ و حملات متفقین به حالت نیمه‌سوخته و ویران درآمده بود، تجدید بنا و اخبار آن کاملاً پوشش داده شد (از جمله نک: شفا ۱۳۶۰، ج. ۲: ۸۱۴). اما خبر مشابهی از تجدید بنای کاخ استانداری خوزستان جایی منتشر نشده است؛ از این رو نویسندگان به جست‌وجوی شواهد مربوط به کاخ استانداری خوزستان در عصر پهلوی دوم پرداختند و این جست‌وجوها نشان داد که کاخ استانداری، دست‌کم تا سال ۱۳۳۱ میزبان مقامات ارشد حکومت وقت بوده و از جمله شاه و ملکه وقت (ثریا اسفندیاری) در سفر آذرماه ۱۳۳۱ به اهواز در این بنا اقامت کرده‌اند (روزنامه کوشش ۱۳۳۱). همین اخبار نشان می‌داد که در سفر بعدی این دو به اهواز در سال ۱۳۳۴ اقامت آن‌ها نه در استانداری که در پادگان لشکر زرهی واقع شده (روزنامه کوشش ۱۳۳۴) که احتمالاً دلیل این امر تعمیرات کاخ استانداری بوده است؛ از این رو می‌توان حدس زد که کاخ استانداری تا پیش از این تاریخ، از جمله در اقامت سال ۱۳۳۱ محمدرضا شاه، همچنان به‌شکل گذشته مورد استفاده بوده و بازسازی اساسی که به تفاوت میان کاخ پهلوی اول و بنای قابل مشاهده در عکس ۱۳۳۵ انجامیده است، قاعدتاً پس از این تاریخ انجام گرفته است. مجموعه اسنادی که نگارندگان در ادامه جست‌وجوی خود به آن دست یافتند، جزئیات این بازسازی را روشن و تاریخ فوق را دقیق‌تر ساخت.

اسناد مورد اشاره مجموعه‌ای از مکاتبات شهرداری اهواز است که در تابستان ۱۳۳۵ با انجمن شهر و شرکت‌ها و مهندسان درگیر در پروژه کاخ استانداری ردوبدل شده است. این اسناد امروزه در مرکز اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در قالب یک مجموعه سند با عنوان «رونوشت قرارداد تهیه و نصب وسایل گازسوز کاخ اهواز با شرکت بوتان» با شماره ۲۹۳/۵۰۷۷۷ نگهداری می‌شود؛ لذا در ادامه مقاله با عنوان اختصاری «اسناد رونوشت قرارداد» به آن‌ها ارجاع داده می‌شود. از خلال این اسناد به اطلاعات مهمی در باب بازسازی کاخ دست می‌یابیم. قدیمی‌ترین سند مرتبط با کاخ استانداری، در این مجموعه، نامه‌ای به تاریخ ۱۳۳۵/۴/۶ است که از سوی شهرداری اهواز خطاب به انجمن شهر در رابطه با پرونده «کاخ شهرداری» نوشته شده است (تصویر ۱۱).

این نامه که باید آن را مهم‌ترین سند مجموعه فوق در ارتباط با تاریخ‌نگاری بنا دانست، اطلاعات ارزشمندی در باب بنا را آشکار می‌سازد؛ نخست آنکه آشکار می‌سازد تعمیرات بنا از آبان سال ۱۳۲۷ آغاز شده، دیگر آنکه تعمیرات فرایند چندمرحله‌ای داشته است. در گام اول، شهرداری اهواز قراردادی را براساس برآورد مهندسان وقت شهرداری و استانداری از طریق مناقصه با پیمانکاری با نام معتمدی، که فعلاً اطلاعات چندانی از سوابق وی نداریم، برای تعمیرات و تغییراتی در عمارت کاخ استانداری منعقد ساخته، اما حدود هفت ماه بعد، یعنی قاعدتاً در بهار یا اوایل تابستان ۱۳۲۸، شهرداری قرارداد دیگری را این بار، براساس نام‌های قیدشده در گزارش، با سه تن از مشهورترین معماران تاریخ معماری معاصر ایران یعنی محسن فروغی، علی صادق و کیقباد ظفر بختیار منعقد می‌سازد که تلویحاً می‌تواند نشان از افزایش اهمیت



تصویر ۱۱: تصویری از نامه مورخ ۳۵/۴/۶ در مجموعه اسناد رونوشت قرارداد بازسازی کاخ استانداری (مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران)

موضوع، نسبت به آنچه در آغاز گمان می‌رفته، باشد. متأسفانه گزارش از دلیل این تغییر چیزی نمی‌گوید؛ اما در اشاره‌ای کوتاه به مأموریت ایشان در «تهیه نقش‌جات» و تغییراتی در «پی‌های ساخته‌شده قدیمی» اشاره می‌کند که از نظر تأیید قطعی وجود بنایی مقدم بر بنای حاضر حائز اهمیت است؛ هرچند چیزی از وضعیت بنای مزبور نمی‌گوید. از این مرحله به بعد آن‌گونه که در گزارش آمده، پروژه با کارهای پیش‌بینی‌نشده فراوان مواجه شده است. با توجه به تأکید گزارش بر صورت وضعیت تابستان ۱۳۳۴ و «کارهای زیاد پیش‌بینی‌نشده» در این مقطع، از جمله تهیه مصالح از شهرهای تهران و اصفهان و خرم‌آباد، و لزوم تهیه صورت وضعیت موقت در تابستان ۱۳۳۵ به نظر می‌رسد که پرتراکم‌ترین مقطع کاری در تغییرات کاخ این زمان، یعنی سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ بوده که می‌دانیم با عکس‌های هوایی و شواهدی که پیش‌تر از سفرهای محمدرضا شاه به اهواز ارائه کردیم نیز سازگار است؛ اما گزارش از فعالیت‌های مابین این دو تاریخ (۱۳۲۸ تا ۱۳۳۳) و نیز دلیل وقوع کارهای زیاد پیش‌بینی‌نشده در مقطع ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ اطلاعاتی به دست نمی‌دهد. این گزارش نکته مهم دیگری در رابطه با تلاطم حضور فروغی و صادق در فرایند اجرای طرح‌شان را بر عهده گرفته و تا آخرین مراحل اجرای طرح درگیر آن بوده‌اند (ساکما، شماره سند ۲۹۳/۵۰۷۷۷)

اسناد بعدی هرچند اطلاعات کمتری از سند فوق دارند، هریک از جهاتی جالب و روشنی‌بخش نکات مهمی درباره کاخ‌اند. قدیمی‌ترین سند پس از سند مزبور، نامه‌ای بدون تاریخ و شماره ثبت است که از سوی شهردار اهواز خطاب به «جناب آقای مهندس بازرگان» نوشته شده و امضای نامه تاریخ ۱۳۳۵/۴/۱۳ را نشان می‌دهد. در متن نامه اظهار شده است که نامه پیشنهادی مورخ ۳۵/۳/۲۶ مهندس بازرگان در ۳۵/۴/۶ به تصویب انجمن شهر رسیده و لازم است

ایشان برای سه روز به اهواز بیایند تا هم ساختمان کاخ را از نزدیک ببینند و هم قرارداد تهیه دستگاه تهویه مطبوع را بر مبنای پیشنهاد مصوب امضا کنند. از آنجا که مهندس مهدی بازرگان، روشنفکر دینی و فعال سیاسی، در سال‌های آغازین ۱۳۳۰، به سبب جریانات خلع ید نفت، به خوزستان رفت و آمد داشته و تخصص او نیز در زمینه مذکور در نامه (تهویه مطبوع) بوده است؛ لذا نگارندگان حدس می‌زنند که طراحی سیستم تهویه مطبوع کاخ احتمالاً باید کار ایشان باشد؛ به‌ویژه آنکه آن‌گونه که از زندگی‌نامه بازرگان نیز برمی‌آید، وی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و استعفا از سازمان آب تهران عمدتاً در بخش خصوصی و در زمینه‌های مهندسی و صنعت فعال بود. در حال حاضر، در بام عمارت استانداری و درست در قرینگی خرپشته بام اتاقکی است که دستگاه تهویه قدیمی کاخ در آن قرار دارد که ممکن است همان دستگاه اولیه طراحی شده توسط مهندس بازرگان باشد؛ هرچند تأیید قطعی این حدس محتاج بازدید مهندسان آشنا با سیستم‌های تهویه قدیمی برای تعیین تاریخ دقیق‌تر این سیستم است.

در سایر نامه‌های موجود در سند مزبور متن قرارداد پیشنهادی شهرداری اهواز به شرکت بوتان نیز ضمیمه است که حائز چندین نکته واجد اهمیت است. در بند ۴ قرارداد پیشنهادی، شرکت بوتان ملزم شده است تا بلافاصله پس از عقد قرارداد عملیات لوله‌کشی گاز را شروع کند تا نصب کامل دستگاه‌ها که مدتی طول خواهد کشید مانع رنگ‌آمیزی و عملیات تکمیلی نگردد؛ به این ترتیب روشن می‌شود که ساختمان در این زمان در شرف آخرین مراحل نازک‌کاری است. در بند ۶ بار دیگر از مهندس فروغی و مهندس صادق نام برده و بر ضرورت بایگانی یک نسخه قرارداد نزد ایشان به عنوان «مهندسان تهیه‌کننده نقشه اولیه معماری» تأکید شده است. در ادامه و با توجه به اطلاعات به دست آمده از اسناد فوق، فرضیه نهایی درباره علت بازسازی کاخ در دوره پهلوی دوم و فرایند احتمالی آن تشریح شده است.

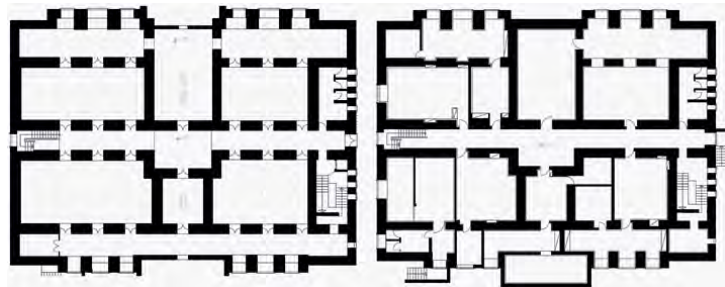
۵. جمع‌بندی بحث و ارائه فرضیه‌ای درباره فرایند بازسازی کاخ

با توجه به محتوای اسناد رونوشت قرارداد که در بالا تشریح شد، بازسازی کاخ استانداری خوزستان از سال ۱۳۲۷ آغاز گردید. این سال مصادف با آغاز قانون برنامه عمرانی اول یا برنامه هفت‌ساله اول (۱۳۳۳ تا ۱۳۲۷) است که فصل ششم آن به اصلاحات شهری و اجتماعی تعلق داشت. هرچند اجرای این قانون از سال ۱۳۲۷ آغاز شد، به گواه نخستین شماره مجله آرشیوتکت در تابستان ۱۳۲۵، دست‌کم از دو سال قبل از شروع اجرای قانون، توجه معماران تحصیل‌کرده ایرانی را برانگیخته بود. آن‌گونه که در این شماره از مجله آرشیوتکت ذیل عنوان «برنامه هفت‌ساله اصلاحات ساختمانی شهرها» آمده این برنامه را کارشناسان وزارتخانه‌های مختلف حسب دستور قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر وقت، تهیه کرده و هدف از آن «اصلاحات کشور طبق اصول فنی و علمی صحیح» بوده است. در بخشی از این یادداشت کوتاه آمده است: «قسمتی از این برنامه که با روش مجله آرشیوتکت هماهنگی دارد و ما در این باره مفصلاً گفتگو خواهیم کرد، اصلاحات شهرها از لحاظ ساختمان‌ها، خیابان‌ها، لوله‌کشی آب و فاضلاب‌ها و برق است که وزارت کشور مأمور تهیه آن و [...] قسمت‌های مختلف آن توسط مهندسين مطلع و کارشناسانی که به اوضاع داخلی ایران آشنایی کامل دارند بررسی و طرح مقدماتی آن تهیه گردیده است» (آرشیوتکت ۱۳۲۵، ۴۰). این یادداشت در ادامه، توقع مجله را که نماینده انجمن معماران دیپلمه یا تحصیل‌کرده ایرانی است، مبنی بر اجرای کار به دست «مردان فعال و صالح و مطلع» و سپردن کار به دست کاردان بیان می‌کند (همان‌جا). همان‌طور که دیدیم، مجری این برنامه وزارت کشور و کارشناسان آن‌اند و طبیعی است که در اصلاح ساختمان‌ها، بناهای وابسته به این وزارتخانه در اولویت قرار داشته باشد. قاعدتاً در چنین بستری است که اصلاح و بازسازی کاخ استانداری خوزستان و موارد مشابه چون عمارت استانداری تبریز (صفا منش، رشتچیان، و منادی‌زاده ۱۳۷۶، ۴۸-۴۷)، کلید می‌خورد و احتمالاً از همین روست که اولین برآورد بازسازی کاخ اهواز را کارشناسان استانی شهرداری و استانداری، بازوهای محلی وزارت کشور انجام می‌دهند. از سوی دیگر، پیرو توجهی که انجمن معماران دیپلمه به این برنامه نشان می‌دهد، احتمالاً ورود این انجمن به پروژه‌های مهم مرتبط با این برنامه در دستور کار اعضای متنفذ انجمن قرار داشته و قاعدتاً از همین روست که هفت ماه پس از برآورد و عقد قرارداد اولیه بازسازی کاخ، قرارداد جدیدی با فروغی و صادق و ظفریختیار که هر سه در شمار چهره‌های شاخص و ذی‌نفوذ انجمن معماران دیپلمه بودند،

منعقد می‌گردد و این سه معمار برجسته با تهیه سی شیت نقشه و پیشنهاد تغییراتی در بنای قدیم که مطابق گزارش با تغییراتی در پی توأم بوده است، چرخشی اساسی در مسیر پروژه ایجاد می‌کنند.

باین‌وصف، فرایند اجرای طرح با تأخیراتی توأم می‌گردد که علت آن را باید در سرنوشت برنامه عمرانی اول جست. مطابق این برنامه، گام اول اجرای آن به تدوین برنامه‌ها، تهیه طرح‌ها، آیین‌نامه‌ها و نظایر آن اختصاص داشت و در گام بعد تمرکز وجوه، تخصیص بودجه و اجرای برنامه‌ها انجام می‌گرفت. لذا در اوایل سال ۱۳۳۰ بحران نفت و قطع درآمد آن، دولت را به مضیقه شدید مالی دچار کرد و در عمل، نه تنها موجب رکود و وقفه در اجرای طرح‌ها شد، بلکه باعث شد بخش عمده‌ای از وجوه برنامه، صرف بودجه مستمر دولت شود. این وضع تا سال ۱۳۳۳ ادامه یافت. بر این اساس می‌توان دریافت که چرا تا سال ۱۳۳۳، به رغم تهیه نقشه و طرح بازسازی بنا در عمل گام چندانی در راستای اجرای این طرح برداشته نشد؛ به گونه‌ای که در سفر سال ۱۳۳۱ محمدرضاشاه به اهواز وی در همان بنای اولیه اقامت کرد. با توجه به شواهد پیش گفته درباره تعمیرات بنا می‌توان حدس زد با رفع تنگنایهای اقتصادی برنامه بازسازی کاخ از سر گرفته و مطابق اسناد رونوشت قرارداد در این مرحله بازهم تغییرات اضافی دیگری اعمال گردید.

فرضیه جدید می‌تواند توجیه مناسبی برای از بین رفتن باغ اولیه نیز ارائه دهد. همان گونه که در پاره نقل شده از مجله آرشیوتک دیدیم، در برنامه عمرانی اول علاوه بر ساختمان‌ها، خیابان‌ها و تأسیسات زیرساختی آن همچون آب و برق و فاضلاب نیز از موضوعات تغییر و نوسازی بود. آن گونه که از عکس هوایی سال ۳۵ برمی‌آید، در این زمان سطح خیابان منتهی به کاخ نسبت به کاخ و باغ آن بسیار بالاتر است؛ به گونه‌ای که لبه خیابان سایه‌ای عمیق بر زمین باغ انداخته است (نک: تصویر ۶ راست). به نظر می‌رسد که این اختلاف ارتفاع، ناشی از تعمیرات زیرساختی گسترده در خیابان‌های پیرامون کاخ باشد و احتمالاً برای اصلاح این اختلاف چاره‌ای جز خاک‌ریزی گسترده در باغ و محوطه پیرامون کاخ نبوده و قاعدتاً این امر به کندن درختان و زدودن طرح پیشین باغ منجر شده است. یکی از نخستین عکس‌های هوایی بعد از این تاریخ چنین فرضی را تأیید می‌کند. در این عکس که متعلق به سال‌های آغازین ۱۳۴۰ است، اختلاف ارتفاع باغ و خیابان مجاور اصلاح و کلیت باغ با طرح جدید آن در حال شکل‌گیری است (نک: تصویر ۶ چپ). اصلاحات فوق بر خود بنا نیز بی‌تأثیر نبوده، خاک‌ریزی در محوطه پیرامون کاخ، آن گونه که در عکس ۱۳۳۵ نیز مشخص است، باعث بالا آمدن سطح زمین در اطراف کاخ گردیده؛ به گونه‌ای که سطح همکف کاخ سابق به زیرزمین کاخ فعلی بدل شده است. پلان نسبتاً نامتعارف زیرزمین کاخ که در اضلاع طولی آن فضایی رواق مانند وجود دارد و نیز فرم پنجره‌ها که در مقطع اتصال به زمین به‌طور ناگهانی قطع شده، از جمله شواهدی است که گمانه تبدیل طبقه همکف کاخ قبلی به زیرزمین در کاخ فعلی را پذیرفتنی می‌کند؛ به این ترتیب طبقه اول کاخ سابق، با تغییراتی در پلان و دسترسی پله‌ها، به طبقه همکف کاخ فعلی بدل شده و برای توازن بخشی به نمای کاخ و نیز جبران کمبود فضای ناشی از اشغال زیرزمین با کاربری‌های تأسیساتی جدید، در طرح بازسازی طبقه‌ای دیگر به کاخ افزوده گردیده است. چنین فرایندی می‌تواند توجیهی برای ضرورت تقویت پی‌های بنای قدیم و نیز تفاوت نمای طبقه همکف و اول کاخ فراهم آورد، زیرا نمای طبقه همکف قاعدتاً از خطوط نمای کوشک اولیه تبعیت کرده، اما نمای طبقه اول فارغ از طرح پیشین و با الگویی جدید شکل گرفته است.



تصویر ۱۲: پلان وضع موجود زیرزمین (راست) و پلان زیرزمین با حذف الحاقات (چپ) که انعکاس الگوی طبقه همکف کاخ اولیه و رواق‌های آن را آشکار می‌سازد.

نتیجه

بررسی تاریخ‌نگارانه کاخ استانداری خوزستان حقایق مهمی را درباره این بنا آشکار می‌کند که در تعیین مبانی نظری مرمت و احیای آن نیز تأثیرگذار است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد این کاخ از زمان ساخت دو مرحله تحول اساسی را پشت‌سر گذاشته است: مرحله اول، طراحی و احداث کاخ و باغ پیرامون آن در عصر پهلوی اول است. متأسفانه از چندوچون بنا، کیفیت ساخت و سازندگان آن در این دوره اطلاع چندانی نداریم اما از محدود اسناد به‌جامانده روشن است که کاخ و باغ تحت تأثیر الگوهای التقاطی یا فرنگی‌مآب رایج در اواخر قاجار و اوایل پهلوی ساخته شده و از این نظر با نمونه‌های کلاسیک کوشک-باغ در معماری ایران متفاوت بوده است. مرحله دوم تغییرات کاخ به نیمه عصر پهلوی دوم، عمدتاً مابین سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ بازمی‌گردد. این زمان در گام اول، ابتدا در سال ۱۳۲۷، به‌احتمال فراوان تحت‌تأثیر برنامه عمرانی هفت‌ساله اول، تعمیرات و اصلاحاتی در کاخ، توسط کارشناسان محلی شهرداری و استانداری پیشنهاد می‌شود. با این‌وصف با فاصله کوتاهی از آغاز تعمیرات، شهرداری قرارداد دیگری منعقد می‌کند و به‌واسطه این قرارداد پای سه تن از مشهورترین معماران معاصر ایران، آقایان فروغی، صادق و ظفربختیار، به پروژه بازسازی کشیده می‌شود. دلیل این امر را به‌روشنی نمی‌دانیم؛ اما با توجه به تغییراتی که نامبردگان در پی ساختمان قدیم پیشنهاد می‌کنند، می‌توان حدس زد که وضعیت فنی پروژه یکی از دلایل نیاز به حضور نیروهای متخصص‌تر بوده و با توجه به علاقه‌ای که انجمن معماران تحصیل‌کرده از پیش از آغاز برنامه عمرانی هفت‌ساله اول به آن نشان داده بود، انتخاب نیروی فنی مورد نیاز در پروژه‌های برنامه از میان اعضای سرشناس این انجمن می‌توانسته روالی رایج در این زمان باشد. طرح پیشنهادی در این مقطع چندسالی، احتمالاً به دلایل مالی، متوقف می‌ماند و در حدود سال ۱۳۳۳ از سر گرفته می‌شود. در این مرحله از میان طراحان اولیه، نام دو تن یعنی فروغی و صادق، در اسناد پروژه بیشتر به چشم می‌خورد و ایشان خود مسئولیت اجرای طرح پیشنهادی‌شان را به عهده می‌گیرند که این امر، با توجه به مشغله هم‌زمان این افراد، نشان از اهمیت پروژه برای این دو معمار برجسته معاصر دارد.

در نتیجه این تغییرات کاخ فرنگی‌مآب دوره پهلوی اول به بنایی کاملاً متفاوت بدل می‌شود. باغ کاخ از منظر باروک پیشین به منظری متأثر از الگوی چهارباغ، از اصیل‌ترین الگوهای رایج در باغ‌سازی ایرانی است، تغییر می‌یابد. کاخ نیز تقریباً بر همان پی‌های قدیم، با چهره‌ای جدید و کاملاً متفاوت توسعه می‌یابد. هرچند الگوی کلی کاخ جدید برخاسته از الگوهای حاکم بر معماری مدرن غالب در این زمان است، استفاده گسترده از آجر در نمای اثر و آرایه‌هایی از کاشی در فضای ورودی و رواق کاخ سیمایی متفاوت از آثار رایج مدرن به آن می‌بخشد؛ این سیمای متفاوت در کنار منظر تازه محوطه پیرامون اثر در مجموع ویژگی‌ای ایرانی به باغ-کوشک تازه اعطا می‌کند که می‌توان آن را نوعی «معماری نوگرایی ایرانی» خواند. سبکی که محسن فروغی پیش از این در بناهای یادبودی چون آرامگاه سعدی و حافظ در شیراز نیز تجربه کرده بود، اما به نظر می‌رسد اولین تجربه آن در کاخی سلطنتی در بنای اهواز باشد. از آنجاکه کاخ نیاوران با فاصله زمانی کوتاهی پس از این اثر توسط فروغی طراحی شد، می‌توان این اثر را چون درآمدی بر تجارب فروغی در ساخت بناهای سلطنتی با سبک معماری خاص خود دانست.

بررسی تاریخ کاخ، علاوه بر معماری جنبه‌هایی دیگر از اهمیت آن را نیز آشکار ساخت. از منظر مهندسی تأسیسات کاخ یکی از نمونه‌های ارزشمند معاصر است؛ متأسفانه موتورخانه منحصربه‌فرد کاخ، که شرکت بوتان آن را طراحی و تجهیز کرده بود، امروز کاملاً از بین رفته اما بقایای سیستم سرمایش قدیمی کاخ، که احتمالاً توسط مهندس مهدی بازرگان طراحی و اجرا شده بود، همچنان در بالاخانه کاخ موجود است. متأسفانه به‌رغم اهمیت منحصربه‌فرد، این بنا تاکنون با دقتی که شایسته آن بوده نگهداری و مرمت نشده که این امر به از بین رفتن بخش عمده‌ای از باغ پیرامون اثر و مداخلات ناروای صوری و کالبدی در آن انجامیده است. خوشبختانه امروزه و با روشن شدن ارزش‌های بی‌بدیل این بنا، تجدیدنظر در این روند در دستور کار مدیران استانداری و میراث‌فرهنگی خوزستان قرار گرفته است.

سیاسگزاری

اعتبار پژوهشی این مقاله از محل اعتبارات پژوهانه واحد معاونت پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز، در قالب پژوهانه نویسنده اول مقاله، تأمین شده است. نویسندگان لازم می‌دانند از مدیران محترم آن واحد سپاسگزاری کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان تاریخ‌نگاری عمارت کاخ استانداری خوزستان است که از اعتبار پژوهانه نویسنده اول و در قالب طرح پژوهشی داخلی در دانشگاه شهید چمران اهواز، با شماره طرح ۹۵۲ در حال انجام است.
۲. ممکن است در وهله اول انتظار شباهت میان بنایی در اهواز، با بناهای تهران و شمال کشور چندان منطقی نباشد؛ اما در این مورد خاص دو نکته وجود دارد که انتظار چنین شباهتی را موجه می‌سازد: نخست آنکه بنای مورد بحث از جنس کاخ‌های سلطنتی در عصر پهلوی اول است و مطابق اسناد موجود، چون خاطرات مرحوم لرزاده (لرزاده ۱۳۸۵) و خاطرات سلیمان بهبودی، پیشکار مخصوص رضاشاه (میرزاصالح ۱۳۷۲) این کاخ‌ها اغلب توسط مهندسان و معمارانی در مرکز طراحی و تأثیر سلاطین بومی عمدتاً در حد ظرایف و ملاحظات اجرایی بوده و به تغییرات عمده در طرح و سازمان فضایی بنا منجر نمی‌شده است؛ لذا وجود کاخی با طرح و سازمان فضایی متفاوت در میان این کاخ‌ها می‌تواند سؤال‌برانگیز باشد. نکته دیگری که این پرسش را پررنگ‌تر می‌سازد آن است که در سایر بناهای پهلوی اول اهواز در این دوره، چون بناهای اداری راه‌آهن، ساختمان دارایی، بانک ملی و نظایر آن، ارتباط با معماری پهلوی اول در مرکز به‌وضوح قابل مشاهده است و در مواردی که هویت معماران قابل شناسایی بوده، اغلب از معماران سرشناس این دوره در تهران استفاده شده است؛ لذا انتظار می‌رود که در بنایی چون کاخ سلطنتی نیز شاهد شباهت با بناهای مشابه خود باشیم.
۳. اطلاعات مربوط به این قانون و چالش‌های اجرای آن از «متن قانون برنامه عمرانی اول پیش از انقلاب (۱۳۳۷ تا ۱۳۳۳)» در وبگاه مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به آدرس ذیل برداشته شده است: <https://olgou.ir/downloads/asnad/gh-ableenghelab/ghanoonOmran1.pdf>

منابع

- آرشیوتکت. ۱۳۲۵. اصلاحات کشور طبق اصول فنی و علمی صحیح. آرشیوتکت ۱ (۱): ۴۰-۴۱.
- انصاری، حمیدرضا. ۱۳۹۵. تحلیلی بر معماری معاصر ایران. تهران: سبزان.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۹۶. معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: هنر معماری قرن.
- بکاء، شیماء، محمدرضا رحیم‌زاده، و منوچهر معظمی. ۱۴۰۱. گذشته در اندیشه معمار؛ وارطان هوانسیان، گذشته دور، گذشته نزدیک. مطالعات معماری ایران، ش. ۲۲: ۱۳۳-۱۵۴.
- پاکدامن، بهروز. ۱۳۷۶. مقدمه‌ای بر شیوه‌های گرایش‌های معماری در تهران. در مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران - ارگ بم، جلد ۵. به همت باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- روزنامه کوشش. ۱۳۳۱. تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایونی و علیاحضرت ملکه به بیمارستان راه‌آهن اهواز. ۹ آذر.
- روزنامه کوشش. ۱۳۳۴. نزول اجلال موبک شاهنشاه از خوزستان به تهران. ۱۲ فروردین.
- ساکما [سازمان اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران]. اسناد رونوشت قرارداد تهیه و نصب وسایل گازسوز کاخ اهواز با شرکت بوتان. شماره سند ۵۰۷۷۷/۲۹۳.
- شفا. شجاع‌الدین. ۱۳۶۰. گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی؛ فهرست روزبه‌روز وقایع ایران از ۳ اسفند ۱۲۹۹ تا ۳۰ اسفند ۱۳۵۵. دوره ۵ جلدی. پاریس: سازمان چاپ و انتشارات سهیل.
- صفامنش، کامران، یعقوب رشتچیان، و بهروز منادی‌زاده. ۱۳۷۶. ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر. فصلنامه گفتگو، ش. ۱۸: ۳۳-۵۴.
- قبادیان. وحید. ۱۳۹۲. سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: علم معمار.

- کیانی، مصطفی. ۱۳۸۳. معماری دوره پهلوی اول. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- لرزاده، حسین. ۱۳۸۵. ماجرای معماری سنتی ایران در خاطرات استاد حسین لرزاده. به کوشش حسین مفید و مهناز رئیس‌زاده. تهران: مولی.
- ماهان، امین، و خرم‌رویی، ریحانه. ۱۳۹۹. باغ‌سازی اروپایی اصطلاحی نامفهوم؛ تأثیر سبک‌های باغ‌سازی رنسانس و باروک و رمانتیک بر باغ‌های تهران در دوران قاجار. مجله منظر ۱۲ (۵۳): ۱۷۶.
- مجتهدزاده، روح‌الله، و زهرا نام‌آور. ۱۳۹۴. در جست‌وجوی هویت شهری اهواز. تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- مختاری، اسکندر. ۱۳۹۶. میراث معماری مدرن ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- میرزااصالح، غلامحسین (و). ۱۳۷۲. رضاشاه؛ خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی و علی ایزدی. تهران: طرح نو.
- میلانی، عباس. ۱۳۹۲. نگاهی به شاه. تورنتو: پرشین سیرکل.
- نظری، فرهاد. ۱۳۹۷. معماری روزگار قاجاریان. در مجموعه هنر در تمدن اسلامی؛ معماری ۲. زیر نظر مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: سمت.
- نوحه‌خوان، حامد. ۱۳۹۱. معیارهای تقسیمات کشوری در دوره پهلوی. خردنامه ۴ (۹): ۱۱۳-۱۳۶.

URL1: <https://usace.contentdm.oclc.org/digital/collection/p15141coll5/id/9282/rec/235>.



■ Khuzestan Governor's Palace; Historiography of a Contemporary Building

Rouhollah Mojtahedzadeh

Assistant Professor, Faculty of Civil and Architecture, Shahid Chamran University of Ahvaz

Kaveh Zia

Independent Researcher

Seyed Jafar Mojtahed Mousavi

Independent Researcher

The Khuzestan Governor's Palace, generally recognized as a building from the first Pahlavi period, displays architectural features that align more closely with the second Pahlavi era than the typical style of the first Pahlavi palaces. This article addresses this architectural discrepancy by conducting a historical investigation into the palace's origins and transformations, revealing new insights about its development. According to the findings, while the Governor's Palace was originally constructed and utilized during the first Pahlavi era, significant renovations were undertaken in the late 1940s. These modifications likely occurred in connection with Iran's First Construction Development Plan and involved a decision to repair and modify the structure extensively. These renovations introduced substantial and sweeping changes within a short timeframe, with the project overseen by three prominent contemporary Iranian architects—Mohsen Foroughi, Ali Sadegh, and Keyqobad Zafar Bakhtiar. The architectural plans for the renovation, prepared by these architects, were executed under the direct supervision of Foroughi and Sadegh between 1954 and 1956, thus transforming the Khuzestan Governor's Palace into an early example of palace construction influenced by second Pahlavi aesthetics. One notable aspect of this renovation was the comprehensive redesign of the palace gardens and surrounding landscape. Foroughi and Sadegh replaced the existing Western-style garden, common in the late Qajar to early Pahlavi periods, with an Iranian Charbagh design. Additionally, the architectural style of the palace itself was transformed from a neoclassical pavilion structure to a modernized design with elements referencing traditional Iranian architectural motifs. This renovation project, which was among the first of its kind during the second Pahlavi era, may have paved the way for Foroughi's later architectural work, including his designs for the Niavaran Palace, and contributed to the evolution of modern Iranian architectural practices. In addition to its architectural significance, the renovation of the Khuzestan Governor's Palace involved considerable advancements from a technical and engineering perspective. The palace facilities were thoroughly upgraded using innovative engineering methods of the time. Bhutan Company designed the heating system, which, though no longer intact, represented cutting-edge technology. Additionally, Mehdi Bazargan, a prominent mechanical engineer and contemporary political activist, designed the cooling system. These technological updates significantly altered the palace's infrastructure, enhancing its functionality to meet modern standards. Today, the transformation of the palace has left only the basement as a visible remnant of the original Pahlavi construction. This research thus provides a deeper understanding of how historical renovations can reshape a structure's identity, blending elements of different architectural periods to reflect Iran's evolving heritage.

Keywords: Contemporary Architecture of Iran, Ahvaz, Governor Palace, Mohsen Foroughi.